

۱- با بربط و طبل سرود خوانید، با صدای سنج حمدش گوید

هلولویاه، هلولویاه، جلال بر نام خداوند

شادیم در خداوند، نامش مبارک، شادی کنید ای فرزندان

دستها برافرازید، لبها را بگشاید، جلال بر خداوند گوید

۲- پُری روح را بطلبید، شکر و تسبیح را بجا آرید

حمدش خوانید، شکرش گوید، خدای ما شایسته است

شادیم در خداوند، نامش مبارک، شادی کنید ای فرزندان

دستها برافرازید، لبها را بگشاید، جلال بر خداوند گوید

۳- مسیح خدایم، رهگشایم، هادی و نورم، رهنمایم

در سختیها، در تنگیها، صلیب اوست، پیروزیم

شادیم در خداوند، نامش مبارک، شادی کنید ای فرزندان

دستها برافرازید، لبها را بگشاید، جلال بر خداوند گوید

1- Baa barbat o tabl surud khaaneed, baa sedaaye sanj hamdash gueed

Haleluya, haleluya, jalaal bar name khodaavand

**Shaadeem dar khodavand, naamash motebarak, shaadi koneed ay farzandaan
Dasthaa barafraazeed, labhaa raa boghshaahed, jalaal bar khodavand gueed**

2- Puri ruh ra betalabeed, shukr o tasbeh raa bejaa aareed

Hamdash khaaneed, shukrash gueed, khodaaye maa shaayesteh ast

**Shaadeem dar khodavand, naamash motebarak, shaadi koneed ay farzandaan
Dasthaa barafraazeed, labhaa raa boghshaahed, jalaal bar khodavand gueed**

3- Masih khodaayam, rahghushaayam, haadi o nuram, rahnamaayam

Dar sakhtihaa, dar tanghehaa, salibe ust, piruseyam

**Shaadeem dar khodavand, naamash motebarak, shaadi koneed ay farzandaan
Dasthaa barafraazeed, labhaa raa boghshaahed, jalaal bar khodavand gueed**

۱- با تمامی دل، با تمامی جان،

با تمام قوت، یهوه را محبت کن.

۲- کلام خداوند، بر دل تو باشد،

با دقت و کوشش، به همگان تعلیم بده.

۳- آنگاه در خانه‌ای که نساختی، ساکن خواهی شد؛

خورده سیر خواهی شد، از تاکستانی که نکاشتی.

۴- اما این یک چیز را، فراموش نکنی،

که تو را یهوه، از گناه، رهایی داد.

یهوه را محبت کن

تثییه ۵:۶-۱۲

با ثروت همیشه رفت، ملکوت خدا.

با قدرت همیشه رفت، ملکوت خدا.

با تولد نو همیشه رفت، ملکوت خدا.

فقط با ایمان همیشه رفت، ملکوت خدا.

با مقام همیشه رفت، ملکوت خدا.

با دانش همیشه رفت، ملکوت خدا.

با تولد نو همیشه رفت، ملکوت خدا.

فقط با ایمان همیشه رفت، ملکوت خدا.

با زیبایی همیشه رفت، ملکوت خدا.

با خوبی همیشه رفت، ملکوت خدا.

با تولد نو همیشه رفت، ملکوت خدا.

فقط با ایمان همیشه رفت، ملکوت خدا.

ملکوت خدا

۱- با خدا با قوت پیش رویم؛ شیطان را با شدت سرکوب کنیم.

آواز پیروزی سراییم؛ مسیح منجیم.

۲- عیسی است نجات دهنده‌ام؛ عیسی است پیروزیم.

کلام خدا سلاحم؛ دنیا باشد شاهدم.

۳- با خدا با قوت پیش رویم؛ شیطان را با شدت سرکوب کنیم.

آواز پیروزی سراییم؛ مسیح منجیم،

مسیح منجیم؛ مسیح منجیم.

۱- با خود ببر اسم عیسی، ای فرزند حزن و غم
زیرا تو را خواهد شد آن، تسلی اندر ماتم

نام اوچه شیرین شادان زان دل‌های ما

۲- با خود ببر اسم عیسی، چون سپر بهر خطر
می‌شود کمک تو چون، امتحانت آید بر

نام اوچه شیرین شادان زان دل‌های ما

۳- بسرا آن اسم اعظم را، مرهم بود هر غم را
پس با خودت بر نام وی، دافع بود هر هم را

نام اوچه شیرین شادان زان دل‌های ما

۴- به اسم عیسی شود ساجد، در حضورش شو راکع
چون سفر همی شود طی، سپاس خوان شو به شافع

نام اوچه شیرین شادان زان دل‌های ما

با دستهایی باز، دهانی پر از حمد،

با قلبی شکر گزار تو را می ستایم!

تو را می ستایم، تو را می ستایم،

با قلبی شکر گزار، تو را می ستایم!

با روح مشعلم را بیفروز؛

با روح آن را بیفروز؛

با روح مشعلم را بیفروز؛

آن را تا بازگشت بیفروز.

هللویا، هللویا، هللویا بر شاه شاهان.

هللویا، هللویا، هللویا منجی مان

(با شادی پایکوبی کنم،
از خوشحالی دستک زنم،
با دهانی پر از خنده سراییم.) (۲)

خداوند را سراییم. (۳)

چون دوستش دارم.

۱- با شادی و حمد و پرستش به پیش رویم، با لشگر آسمانی همصدا شویم (۲)

عمانوئیل، خداوندم با ما، عمانوئیل، پیروزیم بر دنیا
عمانوئیل بر شیطان و دیوها عمانوئیل عمانوئیل عمانوئیل عیسی

۲- با فیض عیسی پیروز گشته‌ایم بر دنیا، با نام عیسی فرو میریزیم قلعه‌ها (۲)

عمانوئیل، خداوندم با ما، عمانوئیل، پیروزیم بر دنیا
عمانوئیل بر مار و عقربها عمانوئیل عمانوئیل عمانوئیل عیسی

۳- بیاید جشنی به پا کنیم بهر عیسی، جشنی برای سردار لشگر خدا (۲)

عمانوئیل، خداوندم با ما، عمانوئیل، پیروزیم بر دنیا
عمانوئیل باز شد آسمانها عمانوئیل عمانوئیل عمانوئیل عیسی

۴- ما سپر ایمان را گرفتیم در دستها، ای کوه تو چستی در مقابل کلیسا (۲)

عمانوئیل، خداوندم با ما، عمانوئیل، پیروزیم بر دنیا
عمانوئیل رگبار بارانها عمانوئیل عمانوئیل عمانوئیل عیسی

۵- با لشگر آسمانی شویم همصدا، هاویه را غارت کنیم در نام عیسی (۲)

عمانوئیل، خداوندم با ما، عمانوئیل، پیروزیم بر دنیا
عمانوئیل وارثان خدا عمانوئیل عمانوئیل عمانوئیل عیسی

۱. با شادی و حمد و پرستش به پیش رویم، با لشکر آسمانی هم صدا شویم
در این جهان نور عیسی باید افشانیم، شادی و صلح و صفا به دلها ببخشیم
**عیسی مسیح، هست او سردار ما، عیسی مسیح، هست او قدرت ما،
عیسی مسیح، هست او سپر ما، عیسی مسیح، سرور ما، ظفر ما، آمین**

۲. با فیض عیسی پیروز گشته‌ایم بر دنیا، با نام عیسی فرو می‌ریزیم قلعه‌ها
کیست به ضدّ ما چو عیسی شد یاور ما، اوست سردار لشکر سماوی خدا
**عیسی مسیح، هست او سردار ما، عیسی مسیح، هست او قدرت ما،
عیسی مسیح، هست او سپر ما، عیسی مسیح، سرور ما، ظفر ما، آمین**

۳. آید جشنی بر پا کنیم از بهر عیسی، جشنی برای سردار لشکر خدا
چون عیسی سردار لشکر آسمان است، پیروزی ما در این نبرد آشکار است
**عیسی مسیح، هست او سردار ما، عیسی مسیح، هست او قدرت ما،
عیسی مسیح، هست او سپر ما، عیسی مسیح، سرور ما، ظفر ما، آمین**

1. Ba shadi O hæmd O pæræstesh beh pee-sh rav-eem, Ba læshkareh aasema-nee hæm seda shav-eem
Dar een jahan nore Isa bayad afshanim, Shadi O solh O safa be delha bebakhshim
**Isa Masih, hast Oo sardare ma, Isa Masih, hast Oo ghodrate ma,
Isa Masih, hast Oo separe ma, Isa Masih, sarvare ma, zafare ma, Amin**
2. Ba feyze Eesa pee-rooz gashteh-eem bæer donya, Ba name Eesa foroo mee-ree-zeem ghal e ha
Kist be zedde ma cho Isa shod yavare ma, Oost sardare lashkare samaviye Khoda
**Isa Masih, hast Oo sardare ma, Isa Masih, hast Oo ghodrate ma,
Isa Masih, hast Oo separe ma, Isa Masih, sarvare ma, zafare ma, Amin**
3. Aæed jashni be pa konim as bahre Isa, Jashni baraye sardare lashkare Khoda
Chon Isa sardare lashkare aaseman ast, Pirozi ma dar een nabard aashekar ast
**Isa Masih, hast Oo sardare ma, Isa Masih, hast Oo ghodrate ma,
Isa Masih, hast Oo separe ma, Isa Masih, sarvare ma, zafare ma, Amin**

سرود با صدای آرامیس

۱- با شعله روح نزول فرما، تسخیرکن دلم خداوندا

تا بهر عیسی بجنبد جان، بهرش بلرزد تن و روان

چشمه حیات آرام جان؛ مهر بی پایان نور تابان
روز و شب کنم گریه فغان؛ بشنو دعایم باش نگهبان

۲- از بدی حفظم کن ای خدا، روح و حکمت را عطا فرما

چشم دلم را روشن گردان، تا راز کلام شود عیان

چشمه حیات آرام جان؛ مهر بی پایان نور تابان
روز و شب کنم گریه فغان؛ بشنو دعایم باش نگهبان

۳- روح و عروس گویند مسیحا، چشم انتظاریم بزودی بیا

جلال خود را نمایان کن، مرا قرین حضورت فرما

چشمه حیات آرام جان؛ مهر بی پایان نور تابان
روز و شب کنم گریه فغان؛ بشنو دعایم باش نگهبان

۱- با فیض و لطف عجیبش، خدا نجاتم داد!

با خونِ عیسی پاکم ساخت، عمرِ جاوید بخشید.

۲- فیضِ خدا نجاتم داد، از ناامیدیها؛

مسیح تنها راهِ نجات، از غم آزادم کرد.

۳- روزهای سخت و پر خطر، رنجها نیز داشته‌ام؛

فیضِ او پناه من بود، هدایتم کند.

۴- من شایسته فیضِ او، هرگز نبوده‌ام،

لیکن بی حد مهر و وفا، از او هر دم بینم.

1- Amazing grace! How sweet the sound, That saved a wretch like me!
I once was lost, but now am found, Was blind, but now I see.

2- T was grace that taught my heart to fear, And grace my fears relieved;
How precious did that grace appear The hour I first believed!

3- Through many dangers, toils and snares, I have already come;
Tis grace hath brought me safe thus far, And grace will lead me home.

4- When we've been there ten thousand years, Bright shining as the sun,
We've no less days to sing God's praise Than when we first begun.

۱- با قلب‌هایی شاد نزد هم گرد آییم؛

در فیض او شریکیم.

چون عیسی همدیگر را دوست بداریم؛

از دل محبت کنیم.

این را از خداوندان آموختیم؛

نفرت و کینه را ترک کنیم.

همسایه را همچون نفس خود دانیم؛

از دل محبت کنیم.

۲- آن زمانی که عیسی را بینیم؛

باید جوابگو باشیم.

نزد او شرمگین و خجل نباشیم؛

از دل محبت کنیم.

این را از خداوندان آموختیم؛

نفرت و کینه را ترک کنیم.

همسایه را همچون نفس خود دانیم؛

از دل محبت کنیم.

با لمسش آزادم، با روح او شادم
مرا پُر می سازد، با قوتش
با لمسش آرامم، چون سرود می خوانم
مرا پُر می سازد، با حضورش
بارهایم را او بر می دارد، فریاد آزادی سرایم
**(می خوانم سرودی تازه، چون آزادم کرده
زنجیرهایم در نامش گسسته) (۲)**

شعر و آهنگ: روزبه نجارنژاد (سراینده: روزبه و کریسی)

با مهرت سویم آمدی، مرا نجات بخشیدی
و در کنارِ تو من، آرامی دارم
اینک برای این همه لطف و مهر فراوان
با تسلیم قلبِ خود، می‌سرایم
می‌خوانم شکر بهرت، شکر بهرت؛ شکر بهرت خداوند (۲)

به جایم فدا شدی، بر صلیب مصلوب گشتی
و زندگی جاودان عطا کردی
اینک به بهای خونت، حاضرم نزدت آیم
و به چشمانِ تو خیره شوم
می‌خوانم شکر بهرت، شکر بهرت؛ شکر بهرت خداوند (۲)

۱- با همدیگر سرودها بخوانیم

در وصف آن کلمه حیات

۲- اوست چشمه حیات جاویدان

شکر و سپاس بهر فیض عظیم

۳- حمد و جلال و تسبیح سزااست

ملکوت و قدرت از آن توست

۴- تو بخشیدی مرا با خون عیسی

به زانو در آیم به درگاہت

هللویاه هللویاه هللویاه هللویاه

شکر بر نام خداوند (۳)

۱- با هم سرود سرایید؛ با هم سرود سرایید.

کار عجیبی را خواهید دید، چون سرود سرایید.

۲- با هم دعا بکنید؛ با هم دعا بکنید.

کار عجیبی را خواهید دید، چون دعا بکنید.

۳- با هم مهربان باشید؛ با هم مهربان باشید.

کار عجیبی را خواهید دید، چون مهربان باشید.

۴- با هم کلام شنوید؛ با هم کلام شنوید.

کار عجیبی را خواهید دید، چون کلام شنوید.

(با هم گرد آییم همه ایمانداران، از دل سراییم نام خداوند را

زیرا خداوند ما لایق، حمد و پرستش است) (۲)

(سراییم، سراییم، او خداوند است، سراییم، عیسی خداوند است.

شاد باشیم، شاد باشیم، او خداوند است، شاد باشیم، عیسی خداوند است) (۲)

(بیافرازیم دستها را سوی بالا، پرستیم با تمام دل عیسی را

زیرا خداوند ما لایق، حمد و پرستش است) (۲)

(سراییم، سراییم، او خداوند است، سراییم عیسی خداوند است.

شاد باشیم، شاد باشیم، او خداوند است، شاد باشیم، عیسی خداوند است) (۲)

(اگر در سختیها و تنگی باشیم، باز میسراییم عیسی خداوند است.

زیرا خداوند ما لایق، حمد و پرستش است) (۲)

(سراییم، سراییم، او خداوند است، سراییم عیسی خداوند است.

شاد باشیم، شاد باشیم، او خداوند است، شاد باشیم، عیسی خداوند است) (۲)

(Ba ham gerd aaiem hame imandaraan; Az del saraayeem name khodaavand raa
Ziraa Khodaavand ma laayegh hamd o parastesh ast) (2)

**(Saraaiem, saraaiem, Oo Khodaavand ast; Saraaiem Isaa Khodaavand ast
Shaad baashim, shaad baashim, Oo Khodaavand ast; Saraaiem, Isaa Khodaavand ast) (2)**

(Biyafraazim dasthaa raa besoye baalaa; Parastim baa tamaam del isaa raa
Ziraa Khodaavand ma laayegh hamd o parastesh ast) (2)

**(Saraaiem, saraaiem, Oo Khodaavand ast; Saraaiem Isaa Khodaavand ast
Shaad baashim, shaad baashim, Oo Khodaavand ast; Saraaiem, Isaa Khodaavand ast) (2)**

(Aghar dar sakhtiha o tanghi baashim; baaz misaraaiem Isaa Khodavand ast
Ziraa Khodaavand ma laayegh hamd o parastesh ast) (2)

**(Saraaiem, saraaiem, Oo Khodaavand ast; Saraaiem Isaa Khodaavand ast
Shaad baashim, shaad baashim, Oo Khodaavand ast; Saraaiem, Isaa Khodaavand ast) (2)**

(با هم گرد آییم همه ایمانداران، از دل سراییم نام خداوند را

زیرا خداوند ما لایق حمد و پرستش است) (۲)

(سراییم، سراییم، او خداوند است، سراییم، عیسی خداوند است.

شاد باشیم، شاد باشیم، او خداوند است، سراییم، عیسی خداوند است) (۲)

(بیافرازیم دستها را سوی بالا، پرستیم با تمام دل عیسی را

زیرا خداوند ما لایق حمد و پرستش است) (۲)

(سراییم، سراییم، او خداوند است، سراییم، عیسی خداوند است.

شاد باشیم، شاد باشیم، او خداوند است، سراییم، عیسی خداوند است) (۲)

(Ba ham gerd aaiem hame imandaraan; Az del saraayeem naame khodaavand raa

Ziraa Khodaavand ma laayegh hamd o parastesh ast) (2)

(Saraaiem, saraaiem, Oo Khodaavand ast; Saraaiem Isaa Khodaavand ast

Shaad baashim, shaad baashim, Oo Khodaavand ast; Saraaiem, Isaa Khodaavand ast) (2)

(Biyafraazim dasthaa raa besoye baalaa; Parastim baa tamaam del isaa raa

Ziraa Khodaavand ma laayegh hamd o parastesh ast) (2)

(Saraaiem, saraaiem, Oo Khodaavand ast; Saraaiem Isaa Khodaavand ast

Shaad baashim, shaad baashim, Oo Khodaavand ast; Saraaiem, Isaa Khodaavand ast) (2)

پیا خیزید ای نجات یافتگان ز خون مسیح
برآرید دست دعا بسوی پدر
بسوی پسر، بسوی روح القدس، بسوی آسمان

۱- باد نورو زوز ووزید، روز فیروز رسید، صبح امید دمید

مژده آن را که در این سال حیات نو یافت

نیر نور مسیحاش پرستار آمد

۲- ای همه خلق جهان، وی همه پاکدلان، شکر ایزد به زبان

همه گوید و سراپید به نام سبحان

کآیت رحمت نو باز پدیدار آمد

۳- تازه گردید جهان، در و دشت است جوان، گل نو گشته عیان

به تسلی دل غمزدگان روح القدس

به مداوای تن خسته بیمار آمد

۴- در فراق شب عید، دیده گر گشت سپیده، هاتفم داد نوید

که هوا روح فزایست و نسیم عنبرسای

ابر نیسان به چمن باز گهربار آمد

۵- از چه در کنج خمول؟ بی نوایی و ملول؟ سوی حق باش عجول!

دیده از خواب فرو شوی که گویی یکسر

بوی مشک از ختن و خطه تاتار آمد

۶- دور آزادی ما است، نوبت شادی ما است، وقت آبادی ما است

باد پیوسته به ما فیض اب و ابن و روح

یکی است این سه و یک در سه ز اسرار آمد

۱- باران آخر می خواهیم، اینست وعده خدا؛

کز منجی نازل می شود، باران روح خدا!

1- Barane akhær mi khahim, inæst vædeyeh khoda;
Kæz monji nazel mi shævæd, barane ruhe khoda!

باران آخر، باران روح القدس، قطره های فیض می بارد، رگبارش را می خواهیم!

Barane akhær, barane ruh ol-ghodos, Ghætreh haye feyz mi baræd, rægbaræsh ra mi khahim!

۲- باران آخر می خواهیم، که بخشد حیات نو!

بر روی باغ کلیسا، ای روح، اکنون نازل شو!

2- Barane akhær mikhahim, gæh bækhshæd hæyate no!
Bær ruye baghe kelisa, ey ruh, æknun nazel sho!

باران آخر، باران روح القدس، قطره های فیض می بارد، رگبارش را می خواهیم!

Barane akhær, barane ruh ol-ghodos, Ghætreh haye feyz mi baræd, rægbaræsh ra mi khahim!

۳- باران آخر می خواهیم، نهرهای آب زنده؛

تا سیراب شود این دشتها، همه دلهای تشنه!

3- Barane akhær mi khahim, næhr-haye abe zendeh;
Ta sirab shævæd in dæst-ha, hæme delhaye teshneh!

باران آخر، باران روح القدس، قطره های فیض می بارد، رگبارش را می خواهیم!

Barane akhær, barane ruh ol-ghodos, Ghætreh haye feyz mi baræd, rægbaræsh ra mi khahim!

۴- باران آخر می خواهیم، از بهر پیر و جوان!

نام مسیح را بخوانیم، با دلی پر از ایمان!

4- Barane akhær mi khahim, æz bæhre pir o jævan!
Name Mæsih ra bekhanim, ba deli por æz iman!

باران آخر، باران روح القدس، قطره های فیض می بارد، رگبارش را می خواهیم!

Barane akhær, barane ruh ol-ghodos, Ghætreh haye feyz mi baræd, rægbaræsh ra mi khahim!

۱- باشد پناه ما خدا، نصرت بود او بهر ما

گر این زمین جنبد ز جا، لرزد به دریا کوهها
ترسان نه‌ایم از موجها، اندر سلامت می‌زییم

۲- نه‌ری بود صاف و روان، کز شعبه‌های نیک آن

شهر خدایی شادمان، جنبش نخواهد خورد هان
ز آن رو که خلاق جهان، در آن همی باشد مقیم

۳- آن را خدا یاری کند، وقتی سپیده بر دمد

اقوام عالم از حسد، با هم نمایند ار مدد
صوتش چو آید می‌شود، دنیا گذاران مثل سیم

۴- گوید کلام او چنین، که آخر خداوند مبین

ساکن نماید جنگ و کین، نیزه کمان بشکسته بین
این رب یعقوب است و هین، اندر پناهِش شو مقیم

۱- باشد مکان آرامی، نزد عرش خدا،

پراز شعف و خرمی، نزد عرش خدا.

**ای منجی مبارک، بره بی گناه،
بر گیر دوستارانت را، نزد عرش خدا.**

۲- باشد جای آسودگی، نزد عرش خدا،

ره نیابد آلودگی، نزد عرش خدا.

**ای منجی مبارک، بره بی گناه،
بر گیر دوستارانت را، نزد عرش خدا.**

۳- باشد مقر سعادت، نزد عرش خدا،

عاری ز رنج و شقاوت، نزد عرش خدا.

**ای منجی مبارک، بره بی گناه،
بر گیر دوستارانت را، نزد عرش خدا.**

۱- باغ جتسیمانی را بنگرید ای مومنان

جنگ منجی را بینید در آن شب بی پایان

دردش را احساس نما تا دانی طرز دعا (۲)

۲- او را چون محکوم بینید مضروب و خوار در جهان

قلب خدایی او مملو از غم نهان

از کنارش دور مشو زین ره صلیب برو (۲)

۳- سوی جلجتا روید دست در دست او نهید

اعجاز خدا بینید فرزندانش را بشنوید

"تمام شد" فریاد زد او مرگت نیز باشد چو او (۲)

۴- سوی قبر شوید روان که مدفون گشت او در آن

بهر چه بود خالی جسمش نیست در این مکان

قیام و صعود نمود بهر ما نیز ره گشود (۲)

بامدادان یکشنبه شد، او روز خدا؛ پاسبانان همچنان، ایستاده بر قبرها
ناگه آمد زلزله، فرشته‌ای از سما؛ سنگ قبرش را غلطاند، و جنباندش ز جا
(ترس و وحشت بر قلوب هر یک از ایشان بریخت
هر یکی از ترس جانش رو به سوی می‌گریخت) (۲)

(زنده شد عیسی برخاست، از میان مردگان)

زنده جاوید شد عیسی، خداوند جهان) (۲)

چون که مریم بر درِ قبرِ خداوند رسید؛ در تحیر شد که سنگ، بر درِ قبرش دوید
با تعجب او درونِ قبر عیسی رفت و دید؛ خالی افتاده کفن، گشته مسیح ناپدید
(چون فرشته‌ای به مریم، ظاهر و گفتا چنان
از چه میجویی تو زنده، را میان مردگان) (۲)

(زنده شد عیسی برخاست، از میان مردگان)

زنده جاوید شد عیسی، خداوند جهان) (۲)

گفت عیسی من قیامت، هستم و راه نجات؛ فدیہ کردم جانِ خود، تا ز من یابی حیات
پس بیا با شادمانی، دست خود بالا بریم؛ بهر پیروزی عیسی، حمد و تسبیحش کنیم
(نام عیسی برتر است هر، قدرتی است در این جهان
بر شکست و قدرت مرگ، و بود سرور ما) (۲)

(زنده شد عیسی برخاست، از میان مردگان)

زنده جاوید شد عیسی، خداوند جهان) (۴)

بچشید و ببینید که خداوند نیکوست

بداریم، همگی نامش را، بخوانیم
چون اینجا، بین ما، قدرش را بدانیم
با شادی، بهر او سرودها، بخوانیم
چون با ماست، پیروز و سلامت، میمانیم
پرستیم، همگی با شادی، سرایم
چون عیسی، دست به دست، تمجیدش نمایم
خدای، آسمان آن که گفت، حیاتم
آغوشش، پُر شده برای، نجاتم

**(عیسی مسیح، منجی عزیز؛ جانش رو برای ما فدا کرد
خلقتش رو از من رها کرد؛ عیسی مسیح خالق جهان
در مذبوحها از مرگ قیام کرد؛ حیات جاوید را عطا کرد)**

با شادی، می پرستیم تو را، ای منجی
شایسته حمد و ثنا، با مهرت
پوشه کن مجلس ما رو؛
برکت بده، بر قلبهای ما
خداوند، می شنویم در این دنیا
با روحت، حاضر در امر خدا،
کلمات، چون نما هادی ما روح
شفا بده به محول ما،

**(عیسی مسیح، منجی عزیز؛ جانش رو برای ما فدا کرد
خلقتش رو از من رها کرد؛ عیسی مسیح خالق جهان
در مذبوحها از مرگ قیام کرد؛ حیات جاوید را عطا کرد) (۲)**

با شادی، می پرستیم تو را، ای منجی
شایسته حمد و ثنا، با مهرت
پوشه کن مجلس ما رو؛
برکت بده، بر قلبهای ما
خداوند، می شنویم در این دنیا
با روحت، حاضر در امر خدا،
کلمات، چون نما هادی ما روح،

شفا بده به محول ما، ای دوست؛ برکت بده بر قلبهای ما، ای دوست (۳)

برای دل‌های خسته، عیسی آنجا نشسته (۲)

بیایید بریم دریا کنار، کنار دریای جلیل

عیسی آنجا نشسته (۲)

مثال برزگر میگه، مثال دانه‌ها میگه

برای دل‌های خسته (۲)

بیایید با گوشِ دل‌هامون، با قلبها با ایمانمون

حرفهای او را گوش کنیم (۲)

دل‌های بی‌حاصل‌مون، برای دانه‌های اون

مزرعهٔ خدا کنیم (۲)

کنار دریای جلیل، برای دل‌های علیل

بهترین شفای خداست (۲)

کلام پاک عیسی، برای آرام دل‌ها

بهترین پیام خدا (۲)

Baraaye delhaye khaste, Isaa aanjaa neshaste (2)

Biyaaeed berim daryaa kenaar, kenaar daryaaye Jalil

Isaa aanjaa neshaste (2)

Mesaale barzeghar mighe, mesaale daneha mighe

Baraaye delhaaye khaste (2)

Biaeed baa ghoshe delhamon, baa ghalbhaa baa imaanemoon

Harihaaye Oo raa ghoosh konim (2)

Delhaaye bi-haaselemoon, baraaye daanehaaye Oon

Mazrae Khodaa konim (2)

Kenaare daryaaye Jalil, baraaye delhaaye aleel

Behtareen shafaaye khodaast (2)

Kalaame paake Isaa, baraaye aaraame delhaa

Behtareen payaame Khoda (2)

برای عطایای بیحد تو

کنم با دل و جان همی حمد تو

دعا برکت برای غذا

برای ما که در سیرِ رنج این دنیا
برای ما که هستیم با تو در اینجا
برای ما تو معصوم خداوندی
مسیحایی، تو معصوم خداوندی
خداوندی، خداوندی، تویی عیسی، خداوندی

تو می آیی، تو که تنها مسیحایی **تو می آیی، می آیی، تنها مسیحایی**

تو گفتی با من هستی عیسی، منم با تو
به طوفانی گرفتارم دلم با توست
ندارم ترسی از طوفان، تو را دارم
تویی سرچشمه ایمان، تو را دارم
تو را دارم، تو را دارم، تو ای عیسی، امید من
تو ای صبح سپید من

تو می آیی، تو که تنها مسیحایی، تو می آیی

شعر از: جعفر

برایِ مرگِ تو عیسی، ندانم که چه گویم من
برایِ مهرِ تو عیسی، ندانم که چه گویم من
صدایِ تو مرا خوانده، که آیم نزدت ای عیسی
نگاهت مرا گفته، که راهی نیست جز تو عیسی

جلالت می‌دهم عیسی، جلال بر روح تو یکتا،

جدا ساز مرا عیسی جدا از هر بدیها

خداوندا نگاهم دار، مرا در زیر خونت
خداوندا گناهم را بشوی، با خون پاکت
مرا چون کودکی کوچک، بگیر با دست پاکت
وجودم را بساز تو، مسیح با روح پاکت

جلالت می‌دهم عیسی، جلال بر روح تو یکتا،

جدا ساز مرا عیسی جدا از هر بدیها

من آیم نزد تو عیسی، که شویی وجودم را
تولدی دوباره ده مرا، نو کن تو ای عیسی
نجات از تو بود عیسی، تو راهی راه بی‌همتا
تویی سرور، تویی راستی، تو هستی منجی دنیا

جلالت می‌دهم عیسی، جلال بر روح تو یکتا،

جدا ساز مرا عیسی جدا از هر بدیها

بر پا خیز بیدار شو ایماندار

آمدن خداوندان عیسی نزدیک است (۲)

۱- زمانی روز او چون دزد در شب می آید

بیداری هوشیاری تا شاه شاهان آید

با اطمینان بحضورش خواهیم رفت

چون نام ما در دفترش مکتوب است (۲)

بر پا خیز بیدار شو ایماندار

آمدن خداوندان عیسی نزدیک است (۲)

۲- وقتی که شیپور فرشته صدا کند

چون ایماندارانه خوابیده بیدار شوند

زنده در ابرها ربنده خواهیم شد

به پیشباز خداوند که می آید (۲)

بر پا خیز بیدار شو ایماندار

آمدن خداوندان عیسی نزدیک است (۲)

۳- شهر مقدس اورشلیم سماوی از سوی خدایم نازل شود زمانی

اینک حضور خدا با کلیساست

با قوم او عیسی خدای ماست (۲)

بر پا خیز بیدار شو ایماندار

آمدن خداوندمان عیسی نزدیک است (۲)

(بر پا شوید، با هم سرود خوانید)

خدای منجی ما را (۲)

با قلبی باز نزد او شادمانیم (۳)

خداوند، شاه ما

۱- بر تپه‌ای عظیم خارج از اورشلیم؛ بر پا گشته صلیبی حقیر
آن بره خدا بهر گناه ما؛ شد مصلوب با رنج بی نظیر

**آن صلیب افتخار من است، چون بر آن منجی‌ام شد فدا
در طریق صلیب پیش روم، تا رسم به جلال سما**

۲- آه، صلیب کهن رکن ایمان من؛ گشته خوار در افکار جهان
چون فرزند خدا ترک کرد فر سما؛ تا شود فدیة در جلجتا

**آن صلیب افتخار من است، چون بر آن منجی‌ام شد فدا
در طریق صلیب پیش روم، تا رسم به جلال سما**

۳- آن صلیب کهن عزت و جاه من؛ بخشیده صلح و صفا به جهان
فیض و رحم خدا آشکار شد بما؛ در صلیب مسیح عیسی

**آن صلیب افتخار من است، چون بر آن منجی‌ام شد فدا
در طریق صلیب پیش روم، تا رسم به جلال سما**

1. On a hill far away stood an old rugged cross, The emblem of suffering and shame;
How I love that old cross where the dearest and best; For a world of lost sinners was slain.

**So I'll cherish the old rugged cross, Till my trophies at last I lay down;
I will cling to the old rugged cross, And exchange it some day for a crown.**

2. O that old rugged cross, so despised by the world, Has a wondrous attraction for me;
For the dear Lamb of God left His glory above To bear it to dark Calvary.

**So I'll cherish the old rugged cross, Till my trophies at last I lay down;
I will cling to the old rugged cross, And exchange it some day for a crown.**

3. To the old rugged cross I will ever be true,
It's shame and approach gladly bear;

Then He'll call me someday, To my home far away
Where His glory forever I'll share,

**So I'll cherish the old rugged cross, Till my trophies at last I lay down;
I will cling to the old rugged cross, And exchange it some day for a crown.**

Old Rugged Cross-بر تپه‌ای عظیم

بر خاسته، بر خاسته، به یقین بر خاسته است، او بر مرگ پیروز شده است، زنده است

بر خاسته، بر خاسته، به یقین بر خاسته است، شادی کنید که عیسی بر خاسته است

جمعه صلیب، چقدر مصیبت، عیسی را در قبر ماندند

نفهمیدند محال است که بماند، آن سرچشمه حیات

بر خاسته، بر خاسته، به یقین بر خاسته است، او بر مرگ پیروز شده است، زنده است

بر خاسته، بر خاسته، به یقین بر خاسته است، شادی کنید که عیسی بر خاسته است

شنبه دسیسه رهبران دین، سنگ قبر را مهر و لاک کردند

نفهمیدند محال است که بماند، آن که صخره زنده است!

بر خاسته، بر خاسته، به یقین بر خاسته است، او بر مرگ پیروز شده است، زنده است

بر خاسته، بر خاسته، به یقین بر خاسته است، شادی کنید که عیسی بر خاسته است

یکشنبه سحر رفت مریم سر قبر، حیرت کرد که سنگ دور شده است

فرشته گفت محال است که بماند، او واقعاً بر خاسته

بر خاسته، بر خاسته، به یقین بر خاسته است، او بر مرگ پیروز شده است، زنده است

بر خاسته، بر خاسته، به یقین بر خاسته است، شادی کنید که عیسی بر خاسته است

برخیزید ای دوستان هنگام شادی است

نوروز آمد خندان روز گل افشانی است

آییم و گل ریزیم در رهگذر جانان

گل ز طرب آریم با شادی جاویدان

گر چه که دوریم از یاران در اینجا

آرزو داریم باشید شاد و خندان

شادی بودن‌ها در انجمن یاران

وہ چه صفا دارد در کشورمان ایران

ز خدای خود خواهیم، بدهد به شما شادی، برهاند از غمها

بدهد برکتها، به شما عزت‌ها، زمحبت هر دم

چو مسیح است همراهت، بکند ز صفا شادت، بدهد او قوت‌ها

همه روزت نوروز، همه روزت پیروز، ز مسیحا هر دم (۲)

۱- بر در ایستاده می‌کوبد، بر در ایستاده می‌کوبد؛
ای گنهکار قلبت را بگشای، بر در ایستاده می‌کوبد.

عیسی مسیح، بر در ایستاده می‌کوبد؛ (۲)
ای گنهکار قلبت را بگشای، بر در ایستاده می‌کوبد.

۲- ای دوست قلبت را بگشای، ای دوست قلبت را بگشای؛
ای گنهکار تو را می‌خواند، ای دوست قلبت را بگشای.

فیضش را بخشد، ای دوست قلبت را بگشای؛ (۲)
ای گنهکار تو را می‌خواند، ای دوست قلبت را بگشای.

بر صلیبم، میخکوب!

خون چکد از پیکرم، محکوم باورهای خویش.

بوده‌ام دیروز هم آگاه از فردای خویش.

مهرورزی کم گناهی نیست! می‌دانم

سزاوارم، رواست

آنچه بر من می‌رسد، زین ناسزاتر هم سزاست

در گذرگاهی که زور و دشمنی فرمانرواست

مهرورزی کم گناهی نیست!

کم گناهی نیست عمری، عشق را،

چون برترین اعجازه باور داشتن.

پرچم این آرمان پاک را

در جهان افراشتن.

پاسخ آن، این زمان

تن فروآویخته!

یا نای بی آوای خودش!

دکلمه

۱- بر فراز تلی، بیرون از اورشلیم

بر پا گشته صلیبی حقیر

آن بره خدا، بهر گناه ما

شد مصلوب با رنج بی نظیر

**آن صلیب افتخار من است، چون بر آن منجیم شد فدا
در طریق صلیب پیش روم، تا رسم به جلال سما**

۲- آه، صلیب کهن، رکن ایمان من

گشته خوار در افکار جهان

چون فرزند خدا، ترک کرد فر سما

تا شود فدیة در جلجتا

**آن صلیب افتخار من است، چون بر آن منجیم شد فدا
در طریق صلیب پیش روم، تا رسم به جلال سما**

۳- آن صلیب کهن، عزت و جاه من

بخشید صلح و صفا به جهان

فیض و رحم خدا، آشکار شد بما

در صلیب مسیح عیسی

**آن صلیب افتخار من است، چون بر آن منجیم شد فدا
در طریق صلیب پیش روم، تا رسم به جلال سما**

۱- بر منجیت عیسی اطمینان داری

لذت زندگی با او را دانی

پیرو او هستی کلامش خوانی

روح القدس آید گر در او مانی

حیات جاوید حیات جاوید او بخشد به تو این حیات جاوید (۲)

۲- از ره محبت بره امین

ترک کرد آسمان را آمد به زمین

با خون پاکش نجاتم تضمین کرد

حمدش را سرایم فارغ از هر درد

حیات جاوید حیات جاوید او بخشد به تو این حیات جاوید (۲)

۳- دعوتش را بشنو با ایمان بیا

خود را تسلیمش کن بی مکر و ریا

منجی عالمیان تو را پذیرد

حیات جاوید و نعمتها بخشد

حیات جاوید حیات جاوید او بخشد به تو این حیات جاوید (۲)

برو برو به جهان برو؛ برو برو با کلام برو،
برو برو همه جا برو؛ برو برو این حکم عیساست.
همه ما با هم خواهیم رفت؛ به سوی همه مردم جهان؛

محبت عیسی را بشارت دهیم.

همه ما با هم طبق حکمش؛ به سوی همه مردم جهان؛

محبت عیسی را بشارت دهیم.

۱- بس شادم که پدرم از آسمان، لطف خود را در کتاب کرد بیان.
امری بس عجب در انجیل بینم، که منجیم عیسی دوست داردم.

شادم که عیسی دوست داردم،

دوست داردم، دوست داردم.

شادم که عیسی دوست داردم،

عیسی دوست داردم.

۲- اگر او را فراموش می‌کنم، باز هم دوست داردم هر جا روم.
چون از محبتش دارم نوید، زود به پناهِش باز خواهم دوید.

شادم که عیسی دوست داردم،

دوست داردم، دوست داردم.

شادم که عیسی دوست داردم،

عیسی دوست داردم.

۳- وقتی که نزد خدا می‌ایستم، گر چه سرودی بیشتر ندارم،
خوانم سرود جاوید آن سرود را، عجب که عیسی دوست دارد مرا!

شادم که عیسی دوست داردم،

دوست داردم، دوست داردم.

شادم که عیسی دوست داردم،

عیسی دوست داردم.

۱- بشنو صدای عیسی را، که می‌خواند تو را

نزد من بیا ای خسته، آرامش دهم تو را

بر در قلبت ایستاده در را همی گوید

بگشا تا داخل شوم می‌گویدت عیسی

۲- ای که مرده‌ای در گناه، عمرت گشته تباه

گشته از راه حق گمراه، می‌جویدت عیسی

بر در قلبت ایستاده در را همی گوید

بگشا تا داخل شوم می‌گویدت عیسی

۳- من راه و راستی و نورم، من نان حیاتم

من ناجی و من شفیعم، من آب زندگیم

بر در قلبت ایستاده در را همی گوید

بگشا تا داخل شوم می‌گویدت عیسی

۴- هان روز نجات است الآن، بر خیز از مردگان

به قلبت عیسی را بخوان، کند تو را رخشان

بر در قلبت ایستاده در را همی گوید

بگشا تا داخل شوم می‌گویدت عیسی

بشنو کلیسا یهوه خدا یکتاست . . . هللویاه (۲)

و محبت نما او را با تمام قوت و جان
کن اطاعت جلالش ده اوست شاه شاهان

بشنو کلیسا یهوه خدا یکتاست . . . هللویاه (۲)

نجات دهندهات اوست، شفیع تو تنها اوست
تمجید و تسبیح خوانیم، همه جا اعلام نماییم

۱- بشنو هاتف سراید، انوار شاه موعود؛

تابیده سوی عالم، با رحمت آمد فرود.

ای مومنین بر خیزید، با صوت و حمد و درود!

با عرشیان گوید: شد، در بیت لحم مسیح موعود! (۲)

۲- ای عاصیان بشارت، کز نزد رب جلیل،

با جمله ملائک، آورد این مژده جبرئیل:

در جسم خاکی آمد، عیسای عمانوئیل!

خواست زیستن چون ما با ما، حق را نماید تجلیل! (۲)

۳- سراید ای مومنین، حمد بر روح عدالت!

که او ما را کرده آزاد، از ظلمت جهالت.

خود را محروم کرد عیسی، از عزت و جلالت!

تا ما گمگشتگان را، برهاند از ضلالت! (۲)

۱- بگذار در بر گیرد وجودت، با روح القدس و نورش
روح و جانت را لبریز کند از خود، بیا آزاد شو از اسارت
تا روح او چون کبوتر، فرود آید بر تو و زندگیت

عیسی ای عیسی بیا پر ساز مرا (۲)

۲- اکنون سرودی دیگر سرده، با قلبی لبریز از عشق
با دستانی باز بسیار خود را به او، غمهایت را بریز به پایش
اشکهای تلخ گناهت، و حیات نو یاب در نام عیسی

عیسی ای عیسی بیا پر ساز مرا (۲)

O let the Son of God enfold you
With his spirit and His love.
Let Him fill your life and satisfy your soul.
O let Him have the things that hold you and
His Spirit like a dove will descend upon your
life and make you whole.
Jesus, o Jesus, come and fill your lambs. (2)

©1979 by Mercy (Spirit Song by John Wimber Publishing. Admin. By Music Services

بگشا قلبِ سختِ خود را، بیا در آغوشِ خدا
آید او گیرد دستِ تو، دهد او تو را شفا
بشنو تو صدای او را، تا از غم شوی رها
بگشا قلبِ سختِ خود را، بیا در آغوشِ خدا

Open your hard heart, and come into the arms of the Lord
He comes and takes your hand, and heals you
Hear His voice so you would be free from sorrow
Open your hard heart, and come into the arms of the Lord
Bogshau ghalbe sakhte khod rau, bia dar aaghooshe khodau

Aayad OO girad daste tou, dahad OO tou rau shafau
Beshnou tou sedau-ye OO rau, tau az gham shavi rahau
Bogshau ghalbe sakhte khod rau, bia dar aaghooshe khodau

بگو اون کیه، از باکره زاده شده، تمام قدرت جهان، بدست او داده شده
Bego oon kiye, az bakereh zاده shodeh, tamame ghodrate jahan, be dast uo dadeh shodeh
بگو اون کیه، بدون زور و اسلحه، تمام دنیا رو گرفت، حتی زمان به نامشه
Bego oon kiye, bedone zoor o aslahe, tamame donya ro gereft, hata zaman be nameshe
بگو اون کیه، مرده رو زنده میکنه، با محبتش، گریه رو خنده میکنه
Bego oon kiye, morda ro zنده mikone, ba mohabatesh, geryaro khandeh mikone
بگو اون کیه، موج و ز دریا میگیره، اون که بیگناه، بخاطر ما میمیره
Bego oon kiye, mojo ze darya migireh, oon ke bigonah, be khatareh ma mimireh

او همان عیسی، پسر خداست، منجی عالم، او خدای ماست
او برای ما، صخره و ملجاست، از ازل بوده، تا ابد برجاست (۲)
او همان عیسی است

Uo haman Isa, pesareh khodas, monjiye aalam, uo khodaye mast
Uo baraye ma, sakhreh vo maljas, az azal bodeh, ta abad bar jast (2)
Uo haman Isa st

بگو اون کیه، شفای هر درد و غم، ایمان به او، راه رهایی همه
Bego oon kiye, shafaye har dard o ghome, iman be uo, rahe rahaeye hameh
بگو اون کیه، مرکز تاریخ جهان، به پای او افتند همه پادشهان
Bego oon kiye, markazeh tareekheh jahan, be paaye uo oftand hameh padeshahan

او همان عیسی، پسر خداست، منجی عالم، او خدای ماست
او برای ما، صخره و ملجاست، از ازل بوده، تا ابد برجاست (۲)
او همان عیسی است

Uo haman Isa, pesareh khodas, monjiye aalam, uo khodaye mast
Uo baraye ma, sakhreh vo maljas, az azal bodeh, ta abad bar jast (2)
Uo haman Isa st

بمان با من بمان با من	بمان با من بمان با من
بخوان ابا تو ای فرزند	پس از این نام من را تو
بمان با من بمان با من	بمان با من بمان با من
مرا داری تو ای فرزند	پس از این جای تنهائی
Bemaan Baaman, Bemaan Baaman Pas az een naame man raa to	Bemaan Baaman , Bemaan Baaman Bekhan Abaa to ey farzand
Bemaan Baaman, Bemaan Baaman Pas As een Jaye tanhaae	Bemaan Baaman , Bemaan Baaman Maraa daaree to ey farzand
گشایم در به روی تو	بمانم در کنار تو
بکوبم بر در قلبت	کنم هر دم صدا فرزند
بسازم من پلی از صبر	زطوفانهای این دنیا
بگیرم دست و بازویت	به وقت تنگی و سختی
Bemaanam dar kenaare to Konam har dam sedaa fazand Ze tufaanhaaye een donyaa	Go-shaayam dar be ruye to Bekubam bar dar-e galbat Be saazam man poli az sabr
Be vaghte tangee o sakhti	Begeeram dast o baazoyat
بمان با من بمان با من	بمان با من بمان با من
بخوان ابا تو ای فرزند	پس از این نام من را تو
بمان با من بمان با من	بمان با من بمان با من
مرا داری تو ای فرزند	پس از این جای تنهائی
Bemaan Baaman, Bemaan Baaman Pas az een naame man raa to	Bemaan Baaman , Bemaan Baaman Bekhan Abaa to ey farzand
Bemaan Baaman, Bemaan Baaman Pas As een Jaye tanhaae	Bemaan Baaman , Bemaan Baaman Maraa daaree to ey farzand
ببخشم من گناه تو	بدادم جان برای تو
شتابم من بسوی تو	دهم هر دم تسلی من
شنیدم من صدایت را	به هنگام پریشانی
دهم تسکین به روح تو	در ایام غم و ماتم
Bedaadam jaan baraaye to Daham har dam tasalli man	Bebakhsham man gonaahe to Shetaabam man besuyee to
Be hengame pareeshaanee	Sheneedam man sedaayat ra
Dar ayyaame gham o matam	Daham taskeen be ruhe to
بمان با من بمان با من	بمان با من بمان با من
بمان با من بمان با من	بمان با من بمان با من
Bemaan Baaman, Bemaan Baaman Bemaan Baaman, Bemaan Baaman	Bemaan Baaman , Bemaan Baaman Bemaan Baaman , Bemaan Baaman

بند بند دل من، برای تو تنگه، از دست تو تا من، فاصله فرسنگه

دست مرا بگیر، به سمت خود ببر، رنگین کمان من، قلب من بی رنگه

Ban Bande dele man, baraye to tangeh, az daste to ta man, faseleh farsange
Daste mara begir, be samte khod bebar, rangin kamane man, ghalbe man bi range

عشق و ایمان منی تو، همدم جان منی تو،

دوای این دل خسته، مرهم قلب شکسته

محو لبخند توام من، آره فرزند توام من،

رخت شادی به تنم کن، خاموشم تو روشنم کن

Eshgh o imaane mani to, hamdame jane mani to,
davaye in dele khasteh, marhame ghalbe shekasteh

Mahve labkhande to-am man. Aareh farzande to-am man,
rakhte shaadi be tanam kon, khamoosham to roshanam kon

بند بند دل من، برای تو تنگه، از دست تو تا من، فاصله فرسنگه

دست مرا بگیر، به سمت خود ببر، رنگین کمان من، قلب من بی رنگه

Ban Bande dele man, baraye to tangeh, az daste to ta man, faseleh farsange
Daste mara begir, be samte khod bebar, rangin kamane man, ghalbe man bi range

عطر دستهای تو پیچید، تو فضای خونه من،

وقت رویش جدید، ریشه جوونه من

با تو من خشکی خیالم، باغ سر سبز بهاره،

چشم من برای دیدار، خیلی وقته بی قراره

Atre dasthaye to picheed, to fazaye khoneh man,
vaghteh royesh jadideh, rishy javoone man

Ba to man khoshkie khialam, baghe sar sabze bahareh,
cheshme man baraye didar, khaili vaghte bi gharareh

- ۱- بنزد پاک یزدان شو تو خاموش، نما دنیا و هستی را فراموش
که تا جان تو را آرام بخشد، دل غمدیده‌ات را کام بخشد
- ۲- چو طوفان بلای زندگانی، تو را سازد از این دنیا فغانی
در آن دم در دعا می‌خوان خداوند، ز جان و دل بدو بنمای پیوند
- ۳- دعا بخشد توان بر قلب ریشت، نماید شادمان قلب پریش
شود اندود و غم یکسر فراری، اگر یکدم به یزدان روی آری
- ۴- ز مهر او چو دل سرشار گردد، همی آسان به دنیا کار گردد
اگر هستی به قید غم گرفتار، دعا کن تا شود شادی پدیدار
- ۵- سوی عیسی دعا کن تا که یابی، از او شادی و اصل کامیابی
تو ای عیسی حیات جاودانی، بجز در تو نباشد زندگانی
- ۶- تو را حمد و سپاس بی عدد باد، که جان ما ز محنت کردی آزاد
به ما آموختی طرز دعا را، که بستاییم به نام تو خدا را

به تو می‌نگرم، بر فراز قلّه
آتش و ابر و رعد، خداوند
حرمت حضورت، قدّوس و پر هیبت
به زانو درآیم، خداوند
به تو می‌نگرم، از شکاف صخره
تا بینم شکوهت، خداوند
جلال عبورت، طعم با تو بودن
معنای وجودم، خداوند، خداوند
به تو می‌نگرم، در سیمای انسان
مسیح عیسای، خداوند
نان آسمانی، تاک زندگانی
برهٔ قربانی، خداوند
به تو می‌نگرم، بر فراز صلیب
مضروب و کوبیده، خداوند
تو مرا بخشیدی، من که میخ کوبیدم
بر دست و بر پایت، خداوند، خداوند

به حضورت آیم خداوند، با قربانی سپاس
با سرود ترا برافرازم، نام تو مبارک باد
جلال را تنها به تو دهم، تو مرا رهانیدی
تو مرا از نو آفریدی، نام تو مبارک باد
خداوند، نامت را برافرازیم،
با سپاس، با تجلیل و اکرام
خداوند، نامت را برافرازیم
قدوس است، نام تو
برافراز، نام او را برافراز
با سپاس، با تجلیل و اکرام
برافراز، نام او را برافراز
قدوس است خداوند

Lift Him Up

۱- به خاطر عیسی، دوست دارم برادران؛ به خاطر عیسی، دوست دارم خواهران را.

عیسی، عیسی، عیسی، عیسی؛ عیسی، عیسی، به خاطر عیسی.

۲- به خاطر عیسی، آموختم، شکرگزاری؛ به خاطر عیسی، آموختم بخشیدن را.

عیسی، عیسی، عیسی، عیسی؛ عیسی، عیسی، به خاطر عیسی.

۳- به خاطر عیسی، آموختم فداکاری؛ به خاطر عیسی آموختم تواضع را.

عیسی، عیسی، عیسی، عیسی؛ عیسی، عیسی، به خاطر عیسی.

۴- به خاطر عیسی، یافته‌ام روح القدس؛ به خاطر عیسی یافته‌ام نجاتش را.

عیسی، عیسی، عیسی، عیسی؛ عیسی، عیسی، به خاطر عیسی.

۵- به خاطر عیسی، یافته‌ام شادمانی؛ به خاطر عیسی آموختم آزادی را.

عیسی، عیسی، عیسی، عیسی؛ عیسی، عیسی، به خاطر عیسی.

به درگاه او با شادی سراییم

به حضور او با حمد

گوییم اینست روزی که خداوند ساخت

در آن شادی و وجد نماییم

ما را شادمان گردانیده است

شادانیم زیرا او شادی ماست

به درگاه خداوند با شادمانی می آیم
بحضورش با حمد می آیم
در این روز خداوند را ستایش خواهم نمود
قلبم شاد است، چون مسرورم کرده

مسرورم کرده (۲)

قلبم شاد است، چون مسرورم کرده

مسرورم کرده (۲)

قلبم شاد است، چون مسرورم کرده



I will enter His gates with thanksgiving in my heart

I will enter His courts with praise

I will say this is the day that the Lord has made

I will rejoice for He has made me glad

He has made me glad (2)

I will rejoice for He has made me glad

He has made me glad (2)

I will rejoice for He has made me glad

۱. به درگهت او مدهام پسر خدا،

نزار چراغ زندگی خاموش بمونه.

به رحمت و شفای تو محتاجم عیسی،

نزار چراغ زندگی خاموش بمونه

۲. دلم میخواد فرزندى داشته باشم عیسی،

بعد از مرگم در خدمت خدا بمونه.

خوشحال میشم من از اعجاز تو،

مسرور میشم من از رحمت تو

۳. شفایی بده درد مرا تو ای مسیحا،

جواب میخوام جواب میخوام از تو خدایا

وقتی بمیرم ای مسیح پیش تو هستم،

حالا از قدرت روح پریم و مستم

۴. محتاج شفای توام پدر مسیحا،

غیر از تو هیچکس ندارم توی این دنیا

بگذار خداوند ای مسیح روشن بمونه،

چراغ زندگی من توی این خونه

۵. خوشحال میشم من از اعجاز تو،

مسرور میشم من از رحمت تو

شفا بده درد مرا تو ای مسیحا،

جواب میخوام جواب میخوام از تو خدایا

تمنا

(به دیدار و لمسی تازه، من محتاجم
و به قدرتِ خونتِ عیسی، من محتاجم) (۲)
(به پُری و آتشِ روحت، چشمه‌های جاریِ روحت
به مسح و تجهیزِ روح، من محتاجم) (۲)
(در غم و ترس و تنهایی، تو رفیقی، تو همراهی
تویی آن صخرهٔ محکم، پا بر جایی
از گناه و از عصیانم، طاهرم ساز ای سلطانم
کن مداوا قلب و جانم، ای درمانم) (۲)

**(Be didaar o lamsi taaze, man mohtaajam
Va be ghodrate khonat Isaa) (2)
(Be pori o aatash rohat, cheshmehaye jaari-ye rohat
Be mas o tajhize roh, man mohtaajam) (2)
(Dar gham o tars o tanhaahi, to rafighi, to hamrahi
Toei aan sakhrea mohkam, paa barjaei
Az ghona o az osyaanam, taaheram saaz ay soltaanam
Kon modaava ghalb o jaanam, ay darmaanam) (2)**

به زخمهایش شفا بخشید، به خوش از گناه آزاد

علاج و مرهم هر درد، کند ویرانه را آباد

با آن چشمان پر نورش، تبسم بر لبان او
نگاهش قلب پطرس را، هزار رشته به ریش بنمود
به هر آهنگ شلاقی، که بر پشتش نوازان بود
سرودی زمزمه میکرد، پدر بخشا عزیزان را
به تن بگرفت همه دردی، همه زجر و همه زخمی
به جان بگرفت همه خواری، همه خفت و هر شرمی
به بهر من به جان بگرفت، صلیب و مرگ بر آنرا
ز بهر من گناه گردید، به پرداخت مزد مرگم را

به زخمهایش شفا بخشید، به خوش از گناه آزاد

علاج و مرهم هر درد، کند ویرانه را آباد

زمین لرزید، زمان لرزید، هوا غرید به خود پیچید
ببار ابرک، ببار باران، خداوند در زمین خوابید
صدای گریه مادر، صدای یأس هر عاشق
بگردید خنده بر لبها، خداوند او را برخیزاند

به زخمهایش شفا بخشید، به خوش از گناه آزاد

علاج و مرهم هر درد، کند ویرانه را آباد

زمین لرزید، زمان لرزید، هوا غرید به خود پیچید
ببار ابرک، ببار باران، خداوند در زمین خوابید
صدای گریه مادر، صدای یأس هر عاشق
بگردید خنده بر لبها، خداوند او را برخیزاند

به زخمهایش شفا بخشید، به خوش از گناه آزاد

علاج و مرهم هر درد، کند ویرانه را آباد

Am Esus4 Am Esus4 E
Beginning of singing:
Dm Am Dm Am Dm Am Bbmaj Am
(repeat several times)
Bridge:
Am... G... F
Am... G... F
Fm... Eb... Db
Fm... Eb... Db
Singing begins again:
Bbm... Fm... Bbm... Fm... F#Maj

بهاران آمد و عالم همه یکسر گلستان شد
نگر کن بلبلِ عاشق به سوی باغ و بستان شد
زمین پوشیده شد از گل به مثل فرشِ کاشانی
نمای باغ را بنگر عجب بلبل فراوان شد
زمین نو شد ز فروردین در این میلادِ عطر و گل
بیا اردیبهشتش بین که صد لاله نمایان شد
فغان عاشقان طی شد ز سرمایِ زمستانی
بهار آمد بهار آمد زمانِ عشق یاران شد
بگستر بلبلِ عاشق بساطِ عیش پنهان را
در این محفلِ دمی بنگر مکانِ ماهرویان شد
به محراب می و ساقی نماز عشق برپا کن
به قبر خالیش بنگر که حاجتبخشِ مستان شد
در عیسی روزگار نو بود ممکن به مشتاقان
قیامش در همه عالم دواي دردِ انسان شد

شعر: جلیل سپهر، سراینده: سارا فرد

۱- بهر فردا نیاندیشم امروز با او راه روم
آیندهام در دست اوست هر روز با او شاد شوم
غم فردا را نخورم چون به او ایمان دارم
حیاتم باشد در عیسی او داند آیندهام

(ترسی از فردا ندارم گر چه درکش نکنم)

لیکن یک چیز را میدانم اوست صاحب فردایم) (۲)

۲- هر قدم که بر میدارم دانم فردایم زیباست
بارها از دوشم میغلطند آفتاب در پس ابرهاست
در نور آن شمس تابان اشکهایم پایان یابد
چون زندگیم سر رسد سما روم تا ابد

(ترسی از فردا ندارم گر چه درکش نکنم)

لیکن یک چیز را میدانم اوست صاحب فردایم) (۲)

۳- بهر فردا نیاندیشم شاید فقر آید سویم
او که سیر کند مخلوقش میبخشد آرزویم
گر کشتی زندگیم بگذرد از طوفانها
دانم که امن و امان است او با من است در هر جا

(ترسی از فردا ندارم گر چه درکش نکنم)

لیکن یک چیز را میدانم اوست صاحب فردایم) (۲)

۱- به زانو من درآیم، به درگاہت خدایا

من انسان گنہکارم، و تو قدوس الہی

۲- تو بخشیدی مرا با خون عیسی

نشان دادی ندارد مہرت ہمتا

۳- به قدوسیت منجی مسیحا

تو بشنو حرف ما و این دعا را؛

شفا ده درد ما را . . .

شفا ده قلب ما را . . .

شفا ده فکر ما را . . .

شفا ده روح ما را . . .

به سرخی خونِ خود ای مسیحِ عیسی که بریخت بر چوبه دار
تو بیخشای هر گناه و عصیان را، هر خطایم را تو بردار
بزدای از سرِ لطف و رحمتِ خود، آینه دل را ز زنگار
مددی کن تو رها کن و شفا ده، این دلِ اسیر و بیمار

به سرخی خونِ خود ای مسیحِ عیسی، به سرخی خونِ خود عیسی

تو خداوندِ زمین و آسمانی، تو رهاندهٔ جان روح و روانی
تو حیاتِ جاودان نورِ جهانی، تو حقیقتِ تو شبانِ آسمانی

تو مسیحِ فرزندِ یکتای خدایی، مظهر و پرتوی نورِ الهی
خونِ تو فدیهِ و مزد هر گناهی، جز تو نیست راستی و راه و نه حیاتی
به قدرتِ روحِ خود ای مسیحِ عیسی که دهد توانِ هر کار
پر کن این جامِ تهی را، تا بگردد عاشق و زنده و بیدار
وندر این کلبهٔ خاموش، برویت آتشی جاودان پیا دار
تا بخوانم حمدِ تو با ساز آواز با نی و زوات و تار

به قدرتِ روحِ تو ای مسیحِ عیسی، به قدرتِ روحِ تو عیسی

تو خداوندِ زمین و آسمانی، تو رهاندهٔ جان روح و روانی
تو حیاتِ جاودان نورِ جهانی هستی و اولین و آخرین

به صحن قدست، وارد شوم

از طریق خون عیسی

Beh sǣhne ghodsæt, vared shǣvǣm

ǣz tǣrighe khune Eesa

I enter the Holy of Holies,

I enter through the blood of the Lamb.

تنها بهر پرستش تو

بهر اکرام و حمدت خدا

Tǣnhǣ bǣhre pǣrǣsteshe to

Bǣhre ekram o hǣmdæt Khoda

I enter to worship You only,

I enter to honor "I am"

ای معبود من، محبوب من (۲)

نام تو قدوس است، قدوس یاه

Ey mǣbude mǣn, mǣhbube mǣn (2)

Name to ghodus ǣst, ghodus yah

I worship You, I worship You (2)

For Your name is holy, holy Lord.

D7 Em

به صحن قدست، وارد شوم

Em7 D9 C

از طریق خون عیسی

Beh sǣhne ghodsæt, vared shǣvǣm
ǣz tǣrighe khune Eesa

*I enter the Holy of Holies,
I enter through the blood of the Lamb.*

D7 Em

تنها بهر پرستش تو

Em D9 C

بهر اکرام و حمدت خدا

Tǣnhǣ bǣhre pǣrǣsteshe to
Bǣhre ekram o hǣmdæt Khoda

*I enter to worship You only,
I enter to honor "I am"*

Em Am D G

ای معبود من، محبوب من (۲)

Em D9 C

نام تو قدوس است، قدوس یاه

Ey mǣbude mǣn, mǣhbube mǣn (2)
Name to ghodus ǣst, ghodus yah
I worship You, I worship You (2)
For Your name is holy, holy Lord.

D7 Em

به قدسهای تو داخل شده‌ام

Em7 D9 C

تا بینم جمال چهره‌ات

D7 Em

با خون بره آمده‌ام

Em D9 C

پر شوم ز آتش روحت

Em Am D G

ای معبود من محبوب من (۲)

Em D9 C

نام تو قدوس است قدوس یاه (۲)

Em Bm7 D9 C9 Em

با قلبی باز با قلبی باز مشتاق ملاقات تو هستم (۲)

۱- به که پناه برم چون غمها در رسند، به که پناه برم چون قلبم بشکند
از بهر این حال زارم اکنون پناهی می جویم
در پی شادی می گردم اما اندوه آید سویم

**عیسی بخشد نجات با خون پر بها، شفا و آزادی ز هر درد و جفا
نزدش رو با ایمان دور ز شک و عصیان
او ترا پذیرد بخشد روح و توان (۲)**

۲- به که پناه برم چون در گناه افتم، به که پناه برم چون روحم زجر کشد
عدل و بخشش از که جویم پاکی و نور در وجودم
قید گناه که بگسلد تا آرامش پدید شود

**عیسی بخشد نجات با خون پر بها، شفا و آزادی ز هر درد و جفا
نزدش رو با ایمان دور ز شک و عصیان
او ترا پذیرد بخشد روح و توان (۲)**

۳- به که پناه برم چون طوفانها رسند، به که پناه برم چون حزنم افزایش
کیست آن ناجی و شفیع که داند ضعف درونم
کیست آن دوست ابدیم که بخشد وجد و شادیم

**عیسی بخشد نجات با خون پر بها، شفا و آزادی ز هر درد و جفا
نزدش رو با ایمان دور ز شک و عصیان
او ترا پذیرد بخشد روح و توان (۲)**

۱- به وقت نیمه شب نوری درخشید، میان آسمان پر ستاره
مجوسیان خیره و در بیم و امید، پی آن نور گردیده روانه

۲- هنوز آن ظلمت شب بود باقی، شبانان بر سر آخور رسیدند
میان آخوری بس تنگ و تاریک، درخشان اختری پر نور دیدند

۳- به خود گفتند هر یک از مجوسان، به دنیا آمد آن رب جلالت
همان رب قدیر مهر پیشه، همه سرها فرو شد با خجالت

۴- هدایا هر چه بود از عود و کندر، طلا و نقره قلب و ارادت
همه بر پای پاک او نهادند، چه خوش بودند آنان با سعادت

۵- همان نوری که با ظلمت نبردد، همان که بر بدی پیروز گردد
همان که جان دهد در راه مخلوق، همان که مهر دل افروز گردد

۶- بیا تا بار دیگر ما در این روز، هدایای وجود و قلب و جان را
به پای پاک قدوسش بریزیم، و از او یابیم آرام روان را

بیا اکنون وقت پرستش است
بیا وقت سپردن قلبت
بیا در حضور خدای خود
بیا با تمام قلب و جان
بیا
روزی هر زبانی خواند نامت
هر زانویی خم گردد
اما هر که اکنون نامت را خواند گنجی خواهد یافت
بیا اکنون وقت پرستش است
بیا وقت سپردن قلبت
بیا در حضور خدای خود
بیا با تمام قلب و جان
بیا . . . بیا . . . بیا

Come. Now is the time to worship
Come. Now is the time to give your heart.
Come. Just as you are to worship.
Come. Just as you are before your God.
Come.
One day every tongue will confess you are God.
One day every knee will bow.
Still the greatest treasure remains for those
Who gladly choose you now
Come, Come, Come

©1998 Vineyard Music
by Brian Doerksen
Translation of "Come Now is the Time to Worship"

بیاین با هم دعا کنیم، مسیح مونو صدا کنیم (۲)

از آسمون بیاره، فراوانی بیاره،

ازش بخوایم برامون،

سنگ تموم بذاره (۲)

راههای بسته و اشه، هیچکی غریب نباشه،

صورت و شکلِ هیچکس،

مردم فریب نباشه (۲)

شفا بده مریضو، خط بزنه ستیزو،

رو هیچ دیوارِ بومی، نخونده جُغدِ شومی،

ای روح القدس (۴)

Beyin baa ham doa konim masi moonoo sedaa koneem (2)

Az aasemon bebaareh, faraavaani biareh,

Azash bekhaayem baraamon,

Sanghe tamoom bezaareh (2)

Raahaaye basteh vaasheh, hichki gharib nabaasheh,

surat o shekel hichkas,

Mardom farib nabashe (2)

Shafaa bedeh marizo, khat bezaneh setizo,

Ru hich divaar-e bumi, nakhondeh ghugd shumi,

Ay roholghodos (4)

۱. بیایید ای تشنگان نزد چشمه آب
تا ببینید هر ابر سیاه باران ندارد
بیایید ای تشنگان نزد چشمه آب
چون تنها شادی کامل پیدااست در خداوند

۲. بیایید و بجوید و بچشید این آب
و بدانید که بهرتان خداوند چه دارد
بیایید و بجوید و بچشید این آب
که بهرتان نهر آب زنده جاری شود

۳. بیایید و بسازید خانه ای بر صخره
و بدانید شنزار طاقت سیلاب ندارد
بیایید و بسازید خانه ای بر صخره
تا سنگ زاویه تان تنها عیسی باشد

۴. بیایید و بگیرید بهره ای از فیضش
چون عیسی گناهان ما بر دوش خود دارد
بیایید و بگیرید بهره ای از فیضش
ور نه قلوب پاک نشوند و در ظلمت مانند

بیایید با هم، یک نفس، یک صدا، پرستیم نام عیسی را!

محبت خدا، فیض عظیمش را، بخشید حیات نو در عیسی!

اوست چشمه حیات، شادی قلب پاک، مسیح است نام خدای ما!

Biyayid ba hæm yek næfæs, yek seda, Bepæræstim name Eesa ra!

Mohæbæte Khoda, feyze æzimæsh ra, Bækhshid hæyate no dær Eesa!

Ust cheshmeyeh hæyat, shadiye ghalbe pak, Mæsih æst name Khodaye ma!

بیایید با هم، یک نفس، یک صدا، پرستیم نام عیسی را!

آیید، خوانیم دست ز نیم دست ز نیم، پرستیم نام خدا را،

(او شایسته حمد و، پرستشهاست، هلولیاه بر عیسی!) (۲)

Biyayid ba hæm yek næfæs, yek seda, Bepæræstim name Eesa ra!

Ayid, khanim dæst zænim dæst zænim Bepæræstim name Khoda ra,

(U shayesteyeh hæmd o pæræstesh hast, Hallelujah bær Eesa!) (2)

بیایید با هم، یک نفس، یک صدا، پرستیم خدای پدر را!

Biaeed ba ham, yek nafas, yek seda, parastim Khodaye pedar ra

او با محبت و فیض عظیم خود، بخشید حیات نو در عیسی!

اوست چشمه حیات، شادی قلب ما، پر از فیض است آن منجی ما!

Oo ba mohabbat o faize azime khod, bakhshid hayate no dar eisa

Oost cheshme hayat, shadi ghalbe ma, por az faiz ast an monji ma

بیایید با هم، یک نفس، یک صدا، تکریم کنیم نام عیسی را!

Biaeed ba ham, yek nafas, yek seda, takrim konim name eisa ra

آید، سراییم مزمورها، سرودها، در وصف منجی خود، عیسی!

(او شایسته حمد و، پرستشهاست، هلولویاه بر عیسی!) (۲)

Aeed saraeem, mazmorha, sorodha, dar vasfe monji khod, eisa

(Oo shayesteye hamdo parasteshhast, Haleloya bar eisa) (2)

بیاید خدا را بسراییم، به حضورش با سپاس آییم

در وصفِ صخرهٔ نجاتمان، با شادی و شور سرود بخوانیم (۲)

ما قومِ اویم، او خدایِ ماست؛ گلهٔ اویم، او شبانِ ماست (۲)

او پادشاهِ کلِ جهان است، آب و خشکی به او تعلق دارد

اعماقِ زمین در دستهای اوست، بر موجِ دریا فرمان می‌راند (۲)

ما قومِ اویم، او خدایِ ماست؛ گلهٔ اویم، او شبانِ ماست (۲)

در برابرِ نامِ عظیمش، سرهایمان را فرود آوریم

او را با شادی عبادت کنیم؛ شکرش بگوییم، حمدش سراییم (۲)

ما قومِ اویم، او خدایِ ماست؛ گلهٔ اویم، او شبانِ ماست (۲)

Biyaayeed khodaa raa besæraayim, Beh hozuræsh baa sepaas ayim

Dær væsfe sækhreh-ye nejaatemaan, Baa shaadi o shur sorud bekhaanim (2)

Maa ghome uyeem, u khodaaye maast; Gælleyeh uyeem, u shæbaane maast (2)

U paadeshaahe kole jæhaan æst, Ab o khoshki be u tællugh daaræd

Æmaaghe zæmin dær dæst-haaye ust, Bær moje dæryaa færmaan mi raanæd (2)

Maa ghome uyeem, u khodaaye maast; Gælleyeh uyeem, u shæbaane maast (2)

Dær bæraabære naame æzimæsh, Særhaayemaan raa forud aværim

U raa baa shaadi ebaadæt konim; Shokræsh beguyeem, hæmdæsh særaayeem (2)

Maa ghome uyeem, u khodaaye maast; Gælleyeh uyeem, u shæbaane maast (2)

۱- بیایید خداوند را بسراییم، شکر و سپاس بر مهرش نماییم

هر که روح دارد با ما بسراید، با دف و عود و مزمور حمدش گوید

1- Biayeed khodavand ra besaraeem, shokro o sepas bar mehrash namaeem
Har ke ruh darad ba ma besarayad, ba daf o ood o mazmoor hamdash guyad

حمد و جلال بر نام خداوند، در محبت و رحمت بی مانند

ملکوت و قدرت از آن توست، پدر و پسر و روح القدس

Hamd o jalal bar name khodavan, dar mohabbat o rahmat bi manand
Malakut o ghodrat az an toast, pedar o pesar o roholghodos

۲- می ستاییمت چون فدیه نمودی، بهر نجات ما فرزندات دادی

قدوسی قدوس تسبیحت می خوانیم، با شادی و دستک حمدت می گویم

2- Misetaeemat chon fedye nemodi, bahre nejate ma farzandat dadi
Ghoddosi ghoddos tasbihat mikhanim, ba shadi o dastak hamdat miguyeem

حمد و جلال بر نام خداوند، در محبت و رحمت بی مانند

ملکوت و قدرت از آن توست، پدر و پسر و روح القدس

Hamd o jalal bar name khodavan, dar mohabbat o rahmat bi manand
Malakut o ghodrat az an toast, pedar o pesar o roholghodos

۳- با روح و راستی او را بپرستید، ای مومنین او را سجده نمایید

هر که روح دارد بگذار بسراید، با بربط و دف و عود حمدش گوید

3- Ba ruh o rasti oo ra beparasteed, ey momeneen oo ra sojde namaeed
Har ke ruh darad boghzar besarayad, ba barbato daf o ood hamdash ghoeed

حمد و جلال بر نام خداوند، در محبت و رحمت بی مانند

ملکوت و قدرت از آن توست، پدر و پسر و روح القدس

Hamd o jalal bar name khodavan, dar mohabbat o rahmat bi manand
Malakut o ghodrat az an toast, pedar o pesar o roholghodos

بیاید دستهای همدیگر را بگیریم، برای عیسی مسیح یک جشن بگیریم (۲)
تولدش اومد بازم دوباره، ز آسمان میاد خودش هم دوباره (۲)

۱- تولدش میاد به قلب و خونم، تولدش میاد به جان و روحم
تولدش مبارک است به دلها، به دلهایی که خسته‌اند ز دنیا

بیاید دستهای همدیگر را بگیریم، برای عیسی مسیح یک جشن بگیریم (۲)
تولدش اومد بازم دوباره، ز آسمان میاد خودش هم دوباره (۲)

۲- وقتی خدای ما او را به ما داد، با خون پاک او ما را نجات داد
حیات و زندگی جاودانی، به مومنین عیسی مسیح داد

بیاید دستهای همدیگر را بگیریم، برای عیسی مسیح یک جشن بگیریم (۲)
تولدش اومد بازم دوباره، ز آسمان میاد خودش هم دوباره (۲)

۳- مسیحا زنده است و زندگانی، به ما هم داده است او جاودانی
به خورش گر عقیدت کرده‌ای تو، از اینجا تا ابد زنده بمانی

بیاید دستهای همدیگر را بگیریم، برای عیسی مسیح یک جشن بگیریم (۲)
تولدش اومد بازم دوباره، ز آسمان میاد خودش هم دوباره (۲)

بیشتر عشقت را بریز در قلبم

بیشتر قوت بریز در وجودم

می پرستم با تمام دل

می پرستم با تمام فکر

می پرستم با تمام جان

(More Love, More Power
More of you in my life) (2)

I will worship you

With all of my heart

I will worship you

With all of my mind

I will worship you

With all of my strength

تو خدائی، مسیحائی، تو مسیحائی

For You are my Lord, You are my Lord

بیشتر عشقت را بریز در قلبم

بیشتر قوت بریز در وجودم

جلالت دهم با تمام دل

جلالت دهم با تمام فکر

جلالت دهم با تمام جان

(More Love, More Power
More of you in my life) (2)

I will worship you

With all of my heart

I will worship you

With all of my mind

I will worship you

With all of my strength

تو خدائی، مسیحائی، تو مسیحائی

For You are my Lord, You are my Lord

۱- بین بر صلیب عیسی را، کآن فرزند خدا

بهر گناهان من، شد مصلوب از وفا

نام او عزیز است، جان را کند شادان

انوار رحمت او، دل را کند تابان

۲- خونش بشسته، جرمم از مهر و از رافت

نامش دهد تسلی، از فیض و از رحمت

نام او عزیز است، جان را کند شادان

انوار رحمت او، دل را کند تابان

۳- پشت و پناه من اوست، هم رهبر و معین

دیگر چه غمی مراست؟ در روز واپسین

نام او عزیز است، جان را کند شادان

انوار رحمت او، دل را کند تابان

۱- بین شکوه و جلال سما، محض ایمان ببینیم آن سرا!

وعده فرموده او این چنین: تا دهد ما را خلد برین.

چه زیباست آسمان، فارغ از اشک و درد و فغان!

چه زیباست آسمان، چونکه بره بُود نور آن!

۲- حمد و تجلیل و شکرش کنیم؛ با دعاها حضورش رویم!

چون خدای پدر بهر ما، بیدریغ کرد پسر را فدا.

چه زیباست آسمان، فارغ از اشک و درد و فغان!

چه زیباست آسمان، چونکه بره بُود نور آن!

۳- وه چه فیض عظیمی نمود، هر گناه دلم را زدود.

بنگر این رحمت بیکران؛ خوانده از هر نژاد و زبان!

چه زیباست آسمان، فارغ از اشک و درد و فغان!

چه زیباست آسمان، چونکه بره بُود نور آن!

۴- چونکه ساکن شویم در سما، تاج عزت بود ارث ما؛

وان مسیح منجی و شاه نیک، باشد اندر سرودها شریک!

چه زیباست آسمان، فارغ از اشک و درد و فغان!

چه زیباست آسمان، چونکه بره بُود نور آن!

1- There's a land that is fairer than day, And by faith we can see it a far,
For the Father waits over the way, To prepare us a dwelling place there.

In the sweet by and by, We shall meet on that beautiful shore; (2)

2- We shall sing on that beautiful shore. The melodious songs of the blest;
And our spirits shall sorrow no more, Not a sigh for the blessing of rest.

In the sweet by and by, We shall meet on that beautiful shore; (2)

3- To our bountiful Father above we will offer our tribute of praise,
For the glorious gift of His love, And the blessings that hallow our days.

In the sweet by and by, We shall meet on that beautiful shore; (2)

بینم زِ دلِ تو را، ای برّۀ خدا (۲)

بشنو دعایم را، بشوی گناهم را؛ باشم من دائماً، با تو همی (۲)

ده فیضت ای خدا، تا بخشدم قُوا (۲)

بهرم دادی جان را، عشقم فزون فرما؛ تا که افروزدا، در دل ناری (۲)

عمرم چو شد فنا، قدس گیردم فرا (۲)

بزدا تو ظلمت را، هر اشک و محنت را؛ در نزدِ تو مرا، بُودِ جایی (۲)

Binam z del to raa, ay barre-e Khodaa (2)

(Besh-nu doaayam raa, beshuy ghonaham raa
Baasham man daaeman. Baa to hami) (2)

De fayzat ay Khodaa, taa bakhshadam ghovaa (2)

(Bahram dadi jaan raa, eshgham fozun farmaa
Taa ke afru-zedaa, dar del naari) (2)

Omram cho shod fanaa, Ghods ghiradam faraa (2)

(Bezda to zolmat raa, har ashk o mehnat raa
Dar nazde to maraa, bovad jaa-ee) (2)

سرودها: ب - Songs: Be

ردیف	بند اول سرودها	شعر	مترجم	آهنگ
۱.	با بربط و طبل سرود خوانید			
۲.	با تمامی دل، با تمامی جان			
۳.	با ثروت نمی شه رفت، ملکوت خدا			
۴.	با خدا با قوت پیش رویم، شیطان را با شدت سرکوب			
۵.	با خود ببر اسم عیسی، ای فرزند حزن و غم			
۶.	با دستهای باز دهانی پر از حمد	کاظم ثاقبی		کی نلسون
۷.	با روح مشعلم را بیفروز			
۸.	با شادی پایکوبی کنم			
۹.	با شادی و حمد پرستش به پیش رویم			
۱۰.	با شادی و حمد و پرستش به پیش رویم (سراینده: آرامیس)			
۱۱.	با شعله روح نزول فرما			
۱۲.	با فیض و لطف عجیبش، خدا نجاتم داد			
۱۳.	با قلبهایی شاد نزد هم گردآیم، در فیض او شریکیم			
۱۴.	با لمسش آزادم، با روح او شادم	روزبه نجانزاد		روزبه نجانزاد
۱۵.	با مهرت سویم آمدی، مرا نجات بخشیدی			
۱۶.	با همدیگر سرودها بخوانیم، در وصف آن کلمه حیات			
۱۷.	با هم سرود سرایید	کاظم ثاقبی		کی نلسون
۱۸.	با هم گرد آیم همه ایمانداران (سه بند)			
۱۹.	با هم گرد آیم همه ایمانداران (دو بند)			
۲۰.	پیا خیزید ای نجات یافتگان ز خون مسیح			
۲۱.	باد نوروز وزید، روز فیروز رسید، صبح امید دمید			
۲۲.	باران آخر می خواهیم اینست وعده خدا؛			
۲۳.	باشد پناه ما خدا، نصرت بود او بهر ما			
۲۴.	باشد مکان آرامی، نزد عرش خدا،			
۲۵.	باغ جتسیمانی را بنگرید ای مومنان			
۲۶.	بامدادان یکشنبه شد			
۲۷.	پیا خیزید ای نجات یافتگان ز خون مسیح			
۲۸.	بداریم، همگی نامش را، بخوانیم			
۲۹.	برای دلهای خسته			

			۳۰. برای عطایای بیحد تو، کنم با دل و جان همی حمد تو
		جعفر	۳۱. برای ما که در سیر رنج این دنیا
			۳۲. برای مرگِ تو عیسی ندانم که چه گویم
			۳۳. بر پا خیز بیدار شو ایماندار
			۳۴. بر پا شوید با هم سرود خوانید
			۳۵. بر تپه‌ای عظیم خارج از اورشلیم
			۳۶. برخاسته، برخاسته، به یقین برخاسته
			۳۷. بر خیزید ای دوستان هنگام شادی است
			۳۸. بر در ایستاده می‌کوبد، بر در ایستاده می‌کوبد
		فریدون مشیری	۳۹. بر صلیب: از کتاب آواز آن پرنده غمگین چاپ ۷۶
			۴۰. بر فراز تلی، بیرون از اورشلیم
			۴۱. بر منجیت عیسی اطمینان داری
			۴۲. برو برو به جهان برو؛ برو برو با کلام برو
			۴۳. بس شادم که پدرم از آسمان، لطف خود را در کتاب کرد
			۴۴. بشنو صدای عیسی را، که میخواند تو را
			۴۵. بشنو کلیسا یهوه خدا یکتاست... هاللویا
Mendelssohn	د.ص. ارشادی		۴۶. بشنو هاتف سراید، انوار شاه موعود
			۴۷. بگذار در بر گیرد وجودت
			۴۸. بگشا قلب سخت خود را
			۴۹. بگو اون کیه
		پژمان	۵۰. بمان با من بمان با من
			۵۱. بند بند دل من
			۵۲. بنزد پاک یزدان شو تو خاموش، نما دنیا و هستی را
		کاوه رفیعی	۵۳. به تو می‌نگرم، بر فراز قله
		ژیلبرت	۵۴. به حضورت آیم خداوند
		Lift Him Up	۵۵. به خاطر عیسی دوست دارم برادران
			۵۶. به درگاه او با شادی سراییم
			۵۷. به درگاه خداوند با شادمانی می‌آیم.
			۵۸. به درگهت اومده‌ام پسر خدا، نزار چراغ زندگیم
		نیما	۵۹. به دیدار و لمسی تازه، من محتاجم
			۶۰. به زخمهایش شفا بخشید (فردریک)
		جلیل سپهر	۶۱. بهاران آمد و عالم همه یکسر گلستان شد (سارا فرد)
			۶۲. بهر فردا نیاندیشم امروز با او راه روم

			۶۳. به زانو من در آیم به درگاهت خدایا
			۶۴. به سرخی خون خود ای مسیح عیسی
			۶۵. به صحن قدست وارد شوم
			۶۶. به صحن قدست وارد شوم (ژیلبرت) با نت
			۶۷. به قدسهای تو داخل شده‌ام
			۶۸. به که پناه برم چون غمها در رسند
			۶۹. به وقت نیمه شب نوری درخشید، میان آسمان پر
		Brian Doerksen	۷۰. بیا اکنون وقت پرستش است.
		مسعود فروزنده	۷۱. بیاین با هم دعا کنیم
		کی نلسون	۷۲. بیاید ای تشنگان نزد چشمه آب
			۷۳. بیاید با هم یک نفس یک صدا پرستیم نام عیسی
	آوانسیان		۷۴. بیاید با هم یک نفس یک صدا پرستیم خدای پدر را
			۷۵. بیاید خدا را بسراییم
Garnik Haghverdian	گارنیک حقوردیان	ارمنی	۷۶. بیاید خداوند را بسراییم، شکر و سپاس بر
			۷۷. بیاید دستهای همدیگر و بگیریم
			۷۸. بیشتر عشقت را بریز در قلبم (سوگل)
			۷۹. بین بر صلیب عیسی را کآن فرزند خدا
			۸۰. بین شکوه و جلال سما
			۸۱. بینم ز دل تو را، ای بره خدا